



با وجود نظر صریح رهبر انقلاب، بسیاری از بچه‌های افغانستانی ساکن در ایران از تحصیل بازمانده‌اند

# تکلیف عقب‌افتاده دولت درباره کودکان افغانستانی

آن طلی سال تحصیلی اخیر و به‌خاطر عدم دسترسی به ابزار از تحصیل بازمانده‌اند، بیش از اینها هم انتظار نمی‌رود. به قول معروف اگر این نظام آموزشی بیل‌زن بود، باغچه خود را بیل می‌زد! باین همه این مطالبه‌ای است که سال‌ها تکرار می‌شود، منتها همواره در پله اول درج‌امی‌ز نیم و در این ایام، روز از نو، روزی از نو! در ادامه روایتی از چند سال فراز و نشیب تحصیل دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس ایران پس و پیش از فرمایش‌های رهبری خواهیم داشت تا مشخص شود جز برهه‌ای خاص در همان سال‌های نخست پس از دستور رهبری، در باقی ایام در بر همان پاشنه ثبت‌نام نکردن یا ایجاد سختی‌ها و موانع ثبت‌نامی چرخیده است.

در ایران با این مساله مواجهند و مشکلات جدی در این رابطه دارند و هر سال موعد ثبت‌نام مدارس، رسانه‌ها مجبور به تکرار این مساله هستند که دانش‌آموزان افغانستانی، چه آنهایی که شناسنامه و مدارک هویتی ایرانی و... دارند چه آنهایی که مدارک هویتی ندارند، با این مساله دست به گریباندن و نمی‌توانند، یا در یک پروسه سخت می‌توانند، دانش‌آموزان‌شان را در مدارس ثبت‌نام کنند. یک نفر هم پیدا نمی‌شود یک‌بار برای همیشه تکلیف آنها را علی‌رغم تاکیدات رهبری روشن کند تا این بندگان خدا این‌طور سرگردان نام‌نویسی فرزندان‌شان در مدارس نباشند. البته از سیستم و نظام آموزشی‌ای که بیش از ۳ میلیون دانش‌آموز

مبنی بر تاکید رهبری بر حذف شوراهای موازی بعد از تشکیل این شورا، منتها کمی بعد‌تر و در همان جلسه، گلایه اصلی‌ای مطرح شد مبنی بر نبود ضمانت اجرایی برای مصوبات این شورا و تصمیماتی که می‌گیرد! خب تکلیف چیست؟ اگر این شورا چنین شأنتی دارد و رهبری هم بر آن تاکید کرده‌اند، دیگر این چندصدایی‌ها و این نبود ضمانت اجرا و این سرپیچی‌ها برای چیست؟ این مدل متاسفانه در سایر موضوعات و سطوح هم وجود دارد و مشاهده می‌شود. نمونه‌اش، ماجرای که امروز قصد نوشتن از آن را دارم؛ مساله ثبت‌نام و تحصیل دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس دولتی ایران! سال‌هاست افغانستانی‌های ساکن



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

روز گذشته در جلسه‌ای در مجلس که برای طرح جدید ساماندهی به فضای مجازی ترتیب داده شده بود، حضور داشتیم. همه بودند، یعنی همه آنهایی که طرح را نوشته و آنهایی که مدافع آن بودند و آنهایی که منتقدش بودند. نکته‌ای طرح شد مبنی بر ایجاد شورای عالی فضای مجازی و کارویرهای این شورا، همان جا نام‌ای را به حاضران نشان دادند

## شرحی بر مساله تحصیل مهاجران افغانستانی سال تحصیلی ۴۰۱-۴۰۰

تحصیل کودکان افغانستانی ساکن ایران مساله پرمنا و پرحیثی است. در سال‌های مختلف انواع و اقسام شیوه‌های مدیریتی درباره نحوه ساماندهی دانش‌آموزان افغانستانی انجام شده که هر یک به نتایجی موقت و مقطعی ختم شده است. در سال‌هایی مهاجران افغانستانی اجازه تحصیل نداشتند و تبعات اجتماعی این اقدام این قدر منفی بود که مسئولان امر را به تجدیدنظر درباره این تصمیم واداشت، این سیاست‌های مختلف تا ۶ سال پیش به شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرفت تا اینکه در بهار سال ۱۳۹۴ دستوری از رهبر انقلاب منتشر شد که به این شرح بود: همه کودکان افغانستانی، چه آنها که دارای شرایط قانونی حضور در ایران هستند و چه آنها که مدارک قانونی حضور در ایران ندارند باید در مدارس دولتی ثبت‌نام شوند. این دستور قاطع و فراگیر پایانی بر همه تصمیمات موقت و گذرای این سال‌ها درباره تحصیل مهاجران افغانستانی در ایران بود. همه کسانی که سال‌ها در آرزوی تحصیل کودکانی بودند که هیچ نقشی در مهاجرت‌شان نداشتند، حالا به آرزوی چندین و چند سال خود رسیده بودند و رهبر انقلاب دوباره با این تصمیم نشان داده بودند که نگاه آرمانی جمهوری اسلامی به مستضعفان فارغ از مرزها تعریف می‌شود. با انتشار این دستور رهبری، دولت نیز برای پذیرش کودکان افغانستانی اعلام آمادگی کرد و در مهر آن سال تعداد زیادی از کودکان افغانستانی که این سال‌ها پشت درهای مدرسه از تحصیل بازمانده بودند، روانه مدارس شدند و در کنار هم‌کلاسی‌های ایرانی روزگاری نو آغاز کردند. تصمیم‌ر رهبر انقلاب درباره تحصیل همه کودکان افغانستانی چه آنها که به صورت قانونی در کشور حضور داشتند و چه آنها که شرایط قانونی حضور را کسب نکرده بودند، با واکنش‌های بسیار مثبت جهانی روبه‌رو شد. ایران اولین کشوری بود که این اجازه را به مهاجران غیرقانونی هم می‌داد و از این رو این اقدام باطل‌کننده همه ادعاهای ضدحقوق بشری علیه ایران بود. مقامات افغانستانی نیز بلافاصله بعد از این تصمیم، مراتب قدردانی و تشکر خود را نسبت به این تصمیم در بالاترین سطح ممکن اعلام کردند و اشراف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان در یک سخنرانی رسمی از رهبر انقلاب تشکر کرد. همان‌طور که گفته شد، این تصمیم با استقبال و هماهنگی نهادهای دولتی به‌خوبی شکل اجرا به خود گرفت و نگرانی همه آرمان‌گرایان انقلاب اسلامی که افغانستانی‌ها را مستضعفانی پناهاورده به حکومت اسلامی می‌دانستند به‌خوبی رفع شد و علاوه بر اجرای مناسب طرح در سال اول، در سال دوم این تصمیم در هیات‌دولت مطرح شد و آیین‌نامه تحصیل اتباع خارجی در ایران اصلاح شد. در متن این آیین‌نامه به صراحت ذکر شده بود که براساس این مصوبه، ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجی در مدارس دولتی تا سطح دبیرم همانند دانش‌آموزان ایرانی تعیین شده است. شیوه اجرای این طرح بدین گونه بود که کسانی که کارت آمایش (کارت اقامت حضور در ایران) و یا پاسپورت و ویزای حضور در ایران را داشتند به‌صورت مستقیم به مدارس مراجعه می‌کردند و ثبت‌نام می‌شدند و کسانی که هیچ کدام از این مدارک را نداشتند حسب دستور رهبر انقلاب مبنی بر تحصیل این دسته از کودکان به دفاتر کفالت (دفاتر مشخص شده از سوی اداره اتباع وزارت کشور برای انجام امور مهاجران) مراجعه می‌کردند و برهه‌ای تحت‌عنوان برگه حمایت تحصیلی دریافت می‌کردند و بعد با سنجش بهداشت و سطح تحصیل دانش‌آموز مربوطه، مدرسه و پایه تحصیل او مشخص می‌شد.

## همه آنچه افغانستانی‌ها برای تحصیل فرزندان‌شان در ایران با آن مواجه هستند

شود. بنابراین اصلی‌ترین گزاره محدودیت مهاجران افغانستانی برای تحصیل در مدارس اساسا زیرسوال است و تاریخ و تجربه ثابت می‌کند هیچ کدام از وجوه این استدلال صحیح نیست و ورود و خروج مهاجران افغانستانی را باید در جای دیگری دنبال کرد. مساله تحصیل مهاجران افغانستانی از سال‌های مختلف و از همان زمانی که وارد ایران می‌شوند و دوره جنگ است و بعد دوره سازندگی می‌شود و محدودیت‌ها بیشتر می‌شود، در دوره اصلاحات به اوج خود می‌رسد و در دوره احمدی‌نژاد هم ادامه می‌یابد تا به مقطع سال ۹۴ می‌رسیم که اساسا به قول مهاجران افغانستانی یک انقلابی در عرصه تحصیل مهاجران افغانستانی در ایران است یعنی در طول سال کاملاً واضح و بدون ابهام، بدون قید و بندی با این شرط که حتی یک کودک مهاجر هم نباید در ایران از تحصیل باقی بماند که دو سال اول این مساله خیلی خوب پیگیری می‌شود و خیلی از مهاجران افغانستانی که نمی‌توانستند در مدارس درس بخوانند، در مدارس حضور پیدا می‌کنند و بدون مشکل امنیتی و مشکل گزارش‌شده از سمت نهادهای مربوط به مهاجران تحصیل می‌کنند و سال دوم تقریباً ۱۸۰ هزار نفر از این طیف از مهاجران که مدرک ندارند در مدارس مشغول تحصیل می‌شوند تا اینکه از سال ۹۶ قدری قید و بندها زیاد می‌شود و اولین تبصره‌ها به قانون شروع می‌شود که موانع خیلی جدی نیست، یعنی بخش کوچکی از مهاجران محروم می‌شوند تا سال گذشته این روند ادامه داشت که رئیس‌اداره اتباع و اساسا سیاست اداره اتباع تغییر می‌کند. به شدت حضور مهاجران در مدارس سختگیرانه می‌شود و همه غافلگیر می‌شوند. سال گذشته ما تصور می‌کردیم همانند سال‌های گذشته است. یکبار یک سری قید و بندهایی آمد که کاملاً حضور مهاجران را محدود کرد و آن سال فعالان اجتماعی و رسانه‌ها در بهت سپری شد. با توجه به اینکه امسال هم پیش‌بینی می‌شد همین اتفاق رخ دهد، قدری فعالان اجتماعی و رسانه‌ها

آماده‌تر بودند. امسال هم همین اتفاق افتاد، یعنی تنها دو گروه از مهاجران افغانستانی بدون مدرک برخلاف دستور صریح رهبری مجاز به تحصیل شدند و از گروه‌های دیگر کودکان بدون مدرک افغانستانی برای تحصیل دچار مشکل شدند و ممنوعیت برای تحصیل آنها ایجاد شد. روند تحصیل مهاجران افغانستانی در ایران به دو شکل صورت می‌گرفت؛ کسانی که کارت آمایش یا پاسپورت دارند که اینها باید به‌صورت مستقیم به مدرسه مراجعه کنند و مدرسه ثبت‌نام آنها را انجام دهد و قدری در اینجا با مشکل مواجه می‌شویم. برخی مدارس می‌گویند جا نداریم، برخی مدارس مهاجران را نمی‌پذیرند و قدری بهانه‌هایی می‌آورند ولی مشکل اصلی ما اینجا نیست. مشکل اصلی ما در گروه دوم است که مهاجرانی هستند که مدرک قانونی اقامت در ایران را به دلایل مختلف دریافت نکرده‌اند. این گروه طبق دستور رهبری باید مشمول تحصیل در مدارس ایرانی می‌شدند، اما امسال به‌شدت محدود شدند. تنها دو گروه مشمول این قانون می‌شوند. یک گروه دانش‌آموزان کلاس اولی که برگه سرشماری دارند. برگه سرشماری سال ۹۶-۹۵ در طرحی بود که انجام شد و خیلی از مهاجران در این طرح شرکت کردند و برگه‌ای تحت‌عنوان برگه سرشماری به آنها دادند. می‌گویند اگر کلاس اولی باشید و این برگه را داشته باشید، ثبت‌نام می‌کنیم. همین‌جا محدودیت‌ها برای گروه‌های دیگر مشخص می‌شود. کسی که کلاس دومی باشد چه کار باید انجام دهد؟ کسی که برگه سرشماری ندارد باید چه کند؟ گروه دوم هم کسانی هستند که سال قبل این برگه حمایت تحصیلی را دریافت کردند و کارنامه سال قبل را دارند، یعنی سال قبل تحصیل کردند. اینجا هم مشکل وجود دارد چون به دلیل کرونا و امکانات محدود مهاجران افغانستانی برای آموزش مجازی خیلی‌ها نتوانستند امسال را تمام کنند یعنی از وسط سال رها کردند، وقتی دیدند نمی‌توانند مجازی تحصیل کنند. الان کارنامه سال قبل

## به حاشیه رفتن دستور رهبری و آیین‌نامه دولت

مدارس دولتی مشغول تحصیل هستند؛ یعنی حدود ۲۶ درصد! حال با توجه به حضور حداقل یک میلیون و دویست تا یک میلیون و چهارصد هزار مهاجر غیرقانونی حداقل ۳۰۰ هزار دانش‌آموز در سن تحصیل داریم که تنها ۱۸۰ هزار از این تعداد در مدارس مشغول تحصیل هستند. بخشنامه جدید اداره اتباع نگرانی‌های فراوانی میان فعالان اجتماعی و آرمان‌گرایان انقلابی به وجود آورده است. مشخص است که این تعداد از دانش‌آموزان سال بعد با محرومیت از تحصیل، مجبور به انتخاب راه‌های دیگری در زندگی، از جمله کار کودکان می‌شوند و سرنوشت‌شان دیگر به دست معلمان ایرانی رقم نمی‌خورد. بلکه در کوچه پس‌کوچه‌های جرم‌خیز مناطق حاشیه‌ای خواهد گذشت. از این رو این بخشنامه علاوه بر اینکه دستور رهبری و آیین‌نامه دولت را به حاشیه رانده، به تبعات اجتماعی خود نیز توجه نکرده و نتیجه فقط بیرون ماندن تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان افغانستانی در سال بعد است. درحالی که فضا برای تحصیل و رشد فرهنگی آنها در محیط‌های آموزشی جمهوری اسلامی کاملاً مهیا بوده و موانع قانونی آن نیز سال‌های پیش برداشته شده است.

هم‌اکنون به نظر می‌رسد برای حل مساله امسال مهاجران افغانستانی مسائل زیر باید تعیین تکلیف شود:

۱- **مشمول نشدن همه کودکان مهاجر در این قوانین و باز ماندن تعدادی از آنها:** اولین مساله این است که کم‌کمان کسانی که در دستور رهبر انقلاب مشمول تحصیل در مدارس دولتی بودند با این بخشنامه‌ها از تحصیل محروم می‌مانند. کودکان متعددی که به دلایل مختلف مثل جنگ و ناامنی، نه با تصمیم شخصی خودشان بلکه با تصمیم خانواده‌هایشان به سرزمین دیگری آمده‌اند، از حق تحصیل محروم می‌مانند و این برخلاف آیین‌نامه دولت و دستور رهبری است. کودکانی که در طرح سرشماری ثبت نشده‌اند، کودکانی که سال پیش به دلیل کرونا و نداشتن امکانات و تجهیزات آموزش مجازی از تحصیل محروم مانده‌اند، امسال هم به جبر این بخشنامه نمی‌توانند درس بخوانند. کودکانی که هیچ فردی از اعضای خانواده آنها در مدارس دولتی تحصیل نمی‌کند و همین‌طور کسانی که نه کارت آمایش و نه پاسپورت دارند هم محروم از تحصیل می‌شوند. ۲- **ناهماهنگی در دفاتر کفالت:** خیلی از کسانی که به دفاتر کفالت مراجعه می‌کنند و حائز شرایط نیز هستند با پاسخ‌های منفی دفتر کفالت مواجه می‌شوند. دفاتر کفالت در مواقع مختلف به شیوه‌ای سلیقه‌ای عمل می‌کنند. در خیلی از موارد یک دفتر کفالت ثبت‌نام می‌کند و دفتر کفالتی دیگر خیر. هیچ مرجعی برای رسیدگی به ایرادها و تخلفات احتمالی دفاتر کفالت وجود ندارد و در موارد متعددی این کارمندان دفاتر کفالت هستند که شخصاً مانع تحصیل کودکان می‌شوند.

را ندارند و نمی‌توانند در مدارس دولتی درس بخوانند؛ کسانی که سال پیش به هر دلیلی برگه حمایت تحصیلی نگرفته‌اند یعنی سال پیش را دیده بودند برقرار نیست و دنبال کار رفته بودند. خیلی‌ها درس را به هر دلیلی رها کردند و برگه حمایت تحصیلی نگرفته بودند. اینها باید چه کار کنند؟ همه به دفاتر کفالت مراجعه می‌کنند و با پاسخ منفی مواجه می‌شوند. ما نرخ کسانی که به صورت قانونی هستند و نرخ تحصیل‌کنندگان را داریم و این نسبت ۲۰ درصدی دارد. یعنی ۲۰ درصد از کسانی که در ایران به صورت قانونی ساکن هستند، الان در مدارس ایرانی تحصیل می‌کنند. اگر همین نسبت ۲۰ درصد را در مورد مهاجران افغانستانی بدون مدرک که حدود ۱/۵ میلیون نفر هستند، در نظر بگیریم، حدود ۳۰۰ هزار نفر می‌شود. از این تعداد، ۱۸۰ هزار نفر تحصیل می‌کنند و یک نرخ تقریباً حدود ۱۲۰-۱۰۰ هزار نفر امسال با این تبصره‌هایی که گذاشته شد، از تحصیل باز می‌مانند. درحالی که دستور رهبری این است که حتی یک کودک مهاجر افغانستانی را مشمول تحصیل می‌کند. این توضیحات کلی است. برای حل مساله پیشنهاد‌های مختلفی داشتیم و به دوستان نیز ارائه کردیم. دوستان می‌گویند اگر همه مهاجران غیرقانونی را ثبت‌نام کنیم موج مهاجرت افزایش می‌یابد. یک دلیل را بیان کردیم که در سال‌های گذشته اساساً این چنین نبوده است و پیشنهاد‌های مختلفی هم بیان کردیم مثلاً شرط بگذارد کسانی که متولد ایران هستند یعنی بچه‌هایی که در ایران متولد شدند، بتوانند ثبت‌نام کنند؛ تقریباً مشکل ۸۰-۷۰ درصد بچه‌ها حل می‌شود. اکثر آماري که داریم ۸۰ درصد بچه‌های زیر ۲۰ سال افغانستانی متولد ایران هستند. راهکار ساده دارد و بازگشت به دستور رهبری است ولی اگر بخوانند شرط قانون را بگذارند می‌توانند قانون‌های معقول‌تری بگذارند که طیف بیشتری از مهاجران مشمول دستور رهبری شود.»